

## زبان عربی

\*\* عَيْنُ الْأَنْسَبِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

۱- «ذلک کتاب لا ریبَ فیہ ہدیٰ للمتقین!»:

- ۱) آن کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و برای پرواکنندگان هدایت است!
- ۲) آن کتاب، بی تردید برای تقوای پیشه‌کنندگان هدایت خواهد بود!
- ۳) آن کتابی که شکی در آن نیست، برای آن پرهیزگاران هدایتی است!
- ۴) آن کتاب که هیچ شکی در آن نیست برای پرهیزکاران هدایتی است!

۲- «ما أسرعَ مَرَّ عُمَرُ الْإِنْسَانَ لَيْتَهُ يَنْتَفِعُ بِهِ أَكْثَرَ!»:

- ۱) عمر انسان چقدر سریع می‌گذرد، ای کاش از آن پیش‌تر سود می‌برد! (۲) گذر عمر انسان، چقدر شتابان است، ای کاش او از آن پیش‌تر بهره‌بردار!
- ۳) انسان عمرش چقدر به سرعت می‌گذرد، کاشکی پیش‌تر از آن بهره‌بردار! (۴) چقدر گذر عمر انسان سریع است، ای کاش او پیش‌تر از آن بهره‌بردار!

۳- «لا تنظر إلی صغر جسم ابن آدم فانطوی فیہ کثیرٌ من الأسرار الّتی لا نہایة لہا!»:

- ۱) کوچکی جسم آدمیزاد را نبین، پس در آن رازهای زیادی در هم پیچیده شده و هیچ پایانی برای آن نیست!
- ۲) به خردی جسم فرزند آدم نگاه نکن، زیرا بسیاری از رازها در او پیچیده شده که پایانی برایشان وجود ندارد!
- ۳) به کوچکی جسم آدمیزاد ننگر، چه در او بسیاری از اسرار که هیچ پایانی ندارد پیچیده شده!
- ۴) جسم آدمیزاد را، کوچک نبین، پس بسیاری از رازهای در هم پیچیده شده در جسمش، پایانی ندارد!

۴- «لم یکن نوبل یحبُّ أن یلقَّب بتاجر الموت إذن منح ثروته إلی الفقراء نادماً لیعوّض أخطاءه!»: نوبل .....

- ۱) لقب تاجر مرگ را دوست نداشت، پس با پشیمانی ثروت خویش را به فقرا بخشید تا اشتباه خود را جبران نماید!
- ۲) دوست نمی‌داشت که به او لقب تاجر مرگ بدهند، از این رو، دارایی خود را به فقرا داد تا خطاهایش جبران شود!
- ۳) دوست نداشت که به تاجر مرگ ملقب گردد، پس به فقیران ثروتش را بخشید تا خطاهایش را جبران کرده باشد!
- ۴) دوست نمی‌داشت که به تاجر مرگ لقب داده شود، بنابراین با پشیمانی دارایی‌اش را بخشید تا خطاهایش را جبران نماید!

۵- «لا أنسی أیامی الصعبة الّتی کنت مشغولاً بالعمل فأفادتنی و حصلت علی النجاح!»:

- ۱) روزهای سختی را داشتم که کار می‌کردم و بالاخره به من سود رساند و به پیروزی دست یافتم و آن را فراموش نکردم!
- ۲) ایام سخت‌تر خود را فراموش نخواهم کرد که به کار مشغول بودم، پس به من فایده می‌رساند تا به موفقیت برسم!
- ۳) روزهای سختم را که مشغول کار بودم، فراموش نمی‌کنم، پس به من سود رساند و به موفقیت دست یافتم!
- ۴) ایام دشوار خود را که به کار مشغول هستم از یاد نمی‌برم، زیرا به سود رسیدم و به پیروزی خود دست یافتم!

۶- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) حَوْلُ شَقِّ الْقَنَوَاتِ وَ حَفْرِ الْأَنْفَاقِ بِالتَّقْنِیَةِ الْجَدِیدَةِ: تکنولوژی جدید، شکافتن کانال‌ها و حفر تونل‌ها را دگرگون کرد!
- ۲) عَلینَا أَنْ نَهْتَمَّ بِتَرْبِیَةِ الصِّبْیَانِ أَكْثَرَ مِنْذِ الطِّفْلِ: ما باید به تربیت کودکان از کودکی بیش‌تر اهتمام ورزیم!
- ۳) مَا لِلْمُؤْمِنِ وَ نَعِیمٍ یَفْنَى وَ لَذَّةٌ لَا تَبْقَى: مؤمن را چه کار با نعمتی که نابود می‌شود و لذتی که نمی‌ماند؟!!
- ۴) إِنْ الدُّنْیَا لَأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِی فَمِ جَرَادَةٍ: بی‌شک دنیا، از برگی در دهان ملخی، پست‌تر است!

۷- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) رَاحَ الْإِبْنُ نَحْوَ وَالِدِهِ أَمْلَأُ وَ هُوَ یَعْتَذِرُ عَنْ أَخْطَائِهِ: پسر امیدوارانه به سوی پدرش رفت، درحالی‌که از اشتباهاتش عذرخواهی می‌کرد!
- ۲) أَعْرَفَ هَذَا الشَّیْخَ جَیْدًا هُوَ رَجُلٌ جَیْدٌ الْمَعَامَلَةِ مَعَ غَیْرِهِ: این پیرمرد خوب را می‌شناسم، او مردی بسیار خوش‌رفتار با دیگران است!
- ۳) یَا رَبَّنَا أَبْقِ لَنَا مُحَمَّدًا حَتَّىٰ أَرَاهُ یَا فَعَا وَ أَمْرًا: ای پروردگار ما! برایمان محمد را نگاه دار تا او را جوان و نوجوان ببینیم!
- ۴) هَذِهِ الْفَسِیلَةُ الَّتِی زَرَعْتَهَا سَتَصْیِرُ شَجَرَةً کَبِیرَةً: این نهالی که آن را کاشتی، درختی بزرگ خواهد شد!

۸- «فناوری دلیل اصلی برای رشد صنعتی کشور در برخی زمینه‌ها است!»:

- ۱) التَّقْنِیَةُ سَبَبٌ رَئِیسِی لِنَمُوِّ الْبِلَادِ الصَّنَاعِیَّةِ فِی بَعْضِ الْمَجَالَاتِ! (۲) إِنْ التَّطْوِیرَ سَبَبٌ أَصْلَی لِنَمُوِّ الصَّنَاعِیَّةِ فِی أَكْثَرِ الْمَجَالَاتِ!
- ۳) التَّقْنِیَةُ سَبَبٌ أَصْلَی لِنَمُوِّ الْبِلَادِ الصَّنَاعِیَّةِ فِی بَعْضِ الْمَجَالَاتِ! (۴) السَّبَبُ الرَّئِیسِی لِنَمُوِّ الْبِلَادِ الصَّنَاعِیَّةِ هُوَ التَّقْنِیَةُ فِی بَعْضِ الْمَجَالَاتِ!

۹- عَيْنُ الصَّحِیحِ فِی الْمَفْهُومِ: «لا تغضبْ فَإِنَّ الغضبَ مفسدٌ!»:

- ۱) از کلید خشم بگویم من این‌جا وقت خشم / کرده بسیاری هلاکت‌ها به دنیا وقت خشم
- ۲) از خشم و حسد جان را بیگانه مکن با دل / آن را مگذار این‌جا وین را بمخوان تنها
- ۳) بر سر خشم است هنوز آن حریف / یا سخنی می‌رود اندر رضا
- ۴) گرم دهند خورم و نه می‌روم آزاد / نه همچو آدمیان خشمناک بنشینم

\*\* عَيِّن الخَطَأَ في الإعراب و التحليل الصرفي:

١٠- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصًا!»:

- (١) الله: اسم - مفرد مذكّر - لفظ الجلالة - معرفة / اسم إنّ و منصوب
- (٢) يُحِبُّ: فعل مضارع - مجرد ثلاثي - مجهول / الجملة فعلية و خبر إنّ
- (٣) يُقَاتِلُونَ: مضارع - للغائبين - مزيد ثلاثي و أصله ق ت ل / فعل و فاعله واو
- (٤) مَرْصُوصًا: اسم - مفرد مذكّر - اسم المفعول من الفعل المجرد / صفة

١١- «الشباب الناجحون يحاولون حتّى يحصلوا على أهدافهم معتمدين على الله!»:

- (١) الشباب: جمع تكسير أو مكسّر - اسم تفضيل - معرب / مبتدأ و مرفوع
  - (٢) يُحَاوِلُونَ: مضارع - للغائبين - ماضيه على وزن فاعلوا / الجملة فعلية
  - (٣) يحصلوا: للغائبين - مضارع - مجرد ثلاثي - معلوم / فعل و فاعله واو
  - (٤) معتمدين: اسم الفاعل من الفعل المزيد - نكرة - معرب / حال
- ١٢- «علمت أنّ المعلم يُحدّد بعض الواجبات و نحن لا نفعلها!»:
- (١) المعلم: اسم - مفرد مذكّر - اسم الفاعل - معرفة / اسم أنّ و منصوب
  - (٢) لا نفعل: فعل مضارع - للمتكلّم مع الغير - مجرد ثلاثي - معلوم / فعل مع فاعله
  - (٣) الواجبات: جمع سالم للمؤنث - معرف بال - معرب / مضاف إليه
  - (٤) يُحدّد: مضارع - مزيد ثلاثي و ماضية تُحدّد - معلوم / الجملة فعلية

\*\* عَيِّن المناسب للجواب عن الأسئلة:

١٣- عَيِّن الخَطَأَ في ضَبط حركات الحروف:

- (١) الحديدُ غُنْصُرٌ فلزّي مُوصَلٌ للحرارة و الكهرباء!
- (٢) كلُّ طعامٍ لا يُذَكّرُ اسمُ الله عليه لا بركة فيه!
- (٣) لا تجتمعُ خصَلتانِ في مؤمنٍ: البُخلُ و الكِذِبُ!
- (٤) لا تُسبِّوا النَّاسَ فَتُكْتَسِبُوا العداوةَ بينهم!

١٤- عَيِّن الخَطَأَ:

- (١) الحديد: عنصر فلزيّ موصل الحرارة و الكهرباء!
- (٢) الطّين: التراب الذي قد اختلط بالماء!
- (٣) العظام: أكابر قوم يقوم الناس من مكانهم احتراماً لهم!
- (٤) العصارة: وسيلة لأخذ ماء الفواكه!

١٥- عَيِّن اسمَ فاعل يَكُونُ حالاً:

- (١) يكون المسلم الحقيقيّ من المُنتظرين لفرج الإمام الثاني عشر!
- (٢) حسبت زميلتي الممتازة أميرةً بالمعروف و ناهيةً عن السيئات!
- (٣) شاهدتُ صديقتي أمام باب المكتبة و هي واقفة جنب شجرة!
- (٤) استغفرتُ الله لأعمال القبيحة في ليلة القدر مُعترفةً بارتكابها!

١٦- عَيِّن (ان) يوَكِّدُ الجملة بأجمعها:

- (١) لا شك أنّ زميلنا الممتاز قادر على حلّ تلك المسئلة!
- (٢) نصح العالم المجتهد الشّباب بان يتعلّموا العلم النَّافع!
- (٣) ان تعلّم اللغة العربيّة يُساعدكم في فهم المُصحف!
- (٤) هل تظنون أنّ الإنفاق يحولكم إلى الناس الفقراء!

١٧- عَيِّن ما يدلّ على الرجاء:

- (١) ليت العالم كان يخدم شعبه!
- (٢) لعلّ العمّال يحصلون على الفضة و الذهب!
- (٣) ربّ جاهل يدرك حقيقة قدرة الله!
- (٤) اعلّموا أنّ خيبة الأمل من شرّ الأعمال!

١٨- عَيِّن ما فيه الحال:

- (١) كان تلاميذ الصّفّ الحادي عشر من المُشتاقين إلى التعلّم!
- (٢) بعد التكلّم معك صرنا مُشتاقين إلى تعلّم اللغة العربيّة!
- (٣) ربنا اجعل أبناءنا الأعزاء مُشتاقين إلى خدمة المحرومين!
- (٤) نذهب إلى مدرستنا الكبيرة مُشتاقين إلى الدراسة و التعلّم!

١٩- عَيِّن «لا» النافية للجنس:

- (١) لا حيلة من حوادث الدهر فلا تهرب!
- (٢) إنّنا لا نضيع أجر من أحسنّ عملاً!
- (٣) لا تطعموا المساكين ممّا لا تأكلون!
- (٤) لا يرحم الله من لا يرحم الناس!

٢٠- عَيِّن الحال جملةً:

- (١) و يقول الكافر يا ليتني كنت تراباً!
- (٢) أجاب التلميذ الدرس خائفاً من المعلم!
- (٣) أيها الزملاء تجتهدون و أنتم لا تعرفون الهدف!
- (٤) صديقي الدؤوب يدرس فأنا أتعلم منه!